

در باب نظریه محاکات

مفهوم هنر در فلسفه یونانی و حکمت اسلامی

حسن بلخاری قهی



انتشارات هرمس



انتشارات هرمی

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۲ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب فکر - مهر ۲۹

در باب نظریه محاکات
مفهوم هنر در فلسفه یونانی و حکمت اسلامی
حسن بلخاری قهی
(دانشیار دانشگاه تهران)
طی جلد: سحر افشار
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: چاپ معاصر
همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: بلخاری قهی، حسن، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: در باب نظریه محاکات: مفهوم هنر در فلسفه یونانی و
حکمت اسلامی / حسن بلخاری قهی.
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: شش + ۱۸۴ ص.
شابک: 978-964-363-846-7
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: محاکات در هنر
موضوع: هنر - فلسفه
موضوع: فلسفه یونانی
موضوع: فلسفه اسلامی
رده بندی کنگره: ۸۵ / ۱۳۹۱ ب / ۲۵ / م / BH۳۰۱
رده بندی دیویی: ۱۱۱ / ۸۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۲۵۲۴۹

فهرست

۱		طلیحه
۵		فصل اول: تحول مفهوم میمیزیس در فلسفه هنر غرب (از افلاطون تا هایدگر)
۷		مقدمه
۹		میمیزیس در آرای فیثاغورث و فیثاغوریان
۱۴		میمیزیس در آرای دموکریتوس
۱۷		میمیزیس در آرای افلاطون
۲۶		میمیزیس در آرای ارسطو
۳۱		میمیزیس در آرای فلوطین
۳۴		میمیزیس در دوره هلنی
۳۵		متکلمان مسیحی و میمیزیس
۳۷		میمیزیس و ظهور خلاقیت و نبوغ هنری در عصر رنسانس
۴۲		میمیزیس در دوره معاصر با تأکید بر رأی هایدگر
۶۵		پی‌نوشت‌ها
۶۹		فصل دوم: نظریه هنر در فلسفه و حکمت اسلامی
۷۱		الف: لفظ و مفهوم میمیزیس در ترجمه‌های متفکران مسلمان
۷۱		مقدمه
۷۴		نخستین ترجمه فی الشعر در جهان اسلام
۷۸		فارابی و ترجمه اصطلاح میمیزیس
۸۱		اخوان‌الصفا و خلّان‌الوفا
۹۱		ابن سینا
۹۶		ابن رشد
۱۰۰		خواجه نصیرالدین طوسی
۱۰۲		ترجمه معاصران مسلمان (عبدالرحمن بدوی)

ب: نسبت «صناعت» و «طبیعت» در لوامع الاشراق جلال‌الدین دوانی و ارتباط آن

۱۰۴	با نظریه «میمزیس» در فلسفه هنر
۱۰۵	سابقه تاریخی نظریه میمزیس در فلسفه هنر
۱۱۱	کیفیت نسبت میان طبیعت و صنعت
۱۱۲	تقلید صنعت از طبیعت در لوامع الاشراق جلال‌الدین دوانی
۱۱۹	پی‌نوشت‌ها

فصل سوم: سادرشیا و میمزیس (بررسی تطبیقی حکمت هنر هندی و فلسفه هنر یونانی)

۱۲۳	با تکیه بر آرای فلوپین
۱۲۵	مقدمه
۱۲۸	نظریه سادرشیا
۱۳۶	نظریه تقلید
۱۴۱	فلوپین و میمزیس
۱۴۵	تهذیب اخلاقی، آفرینش هنری
۱۵۱	پی‌نوشت‌ها

فصل چهارم: محاکات معنا بر بنیاد اصل تناظر در حکمت اسلامی (بررسی موردی:

۱۵۳	معماری مقدس)
۱۵۵	اصل تناظر میان انسان و جهان
۱۵۷	خدا، انسان و جهان
۱۶۳	خدا، انسان، جهان و معبد (معماری مقدس)
۱۷۱	پی‌نوشت‌ها

۱۷۳	منابع
۱۷۹	نمایه

طلیحه

در میان چهار نظریه ذات‌گرا و مشهوری که در باب تبیین ماهیت هنر در تاریخ فلسفه هنر طرح شده نظریه میمزیس (که در زبان ما به محاکات و تقلید ترجمه شده است) مشهورترین، مهمترین و قدیمی‌ترین نظریه است که قدمت آن از منظر آیینی به ایده‌های یونانیان در باب اسطوره‌ها و از منظر فلسفی به اندیشه‌های افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد. این نظریه که مبنای نفی هنر در دیدگاه افلاطون شد — با ادعای تقلید هنرها از اشیایی که خود تقلید ناقص ایده‌ها هستند — در نزد ارسطو مکانتی درخور یافت و بویژه در بوطیقا یا فن الشعر مورد توجه و تأملی کاملاً فلسفی قرار گرفت. او میمزیس را تقلید اسوال و کردار انسان دانست و در بحث تراژدی و کمدی از آن بسیار بهره جست. نوافلاطونیان و در رأس آنها فلوطین در قرون اولیه میلادی دیدگاهی نوین در باب این نظریه ابداع کردند، نظریه‌ای که اینک، در پناه نظریه فیض یا صدور، هنر را تقلید صور معقول و نه صورهای مادی ناقص می‌دانست؛ و این دیدگاه مورد استقبال حکمای مسیحی و سپس مسلمان قرار گرفت.

مسلمانان در نهضت ترجمه خود آثار مهم یونانی را ترجمه کردند که از جمله آنها فن الشعر (Poiteika) یا به تعبیر مسلمانان بوطیقا بود، اثری که بر تارک خود نام مترجمان نامداری چون ابواسحاق کندی، اسحاق بن حنین و ابی بشر متی بن یونس را دارد. گرچه از ترجمه کندی اثری در دست نیست و ترجمه اسحاق نیز ظاهراً از یونانی به سریانی بوده، ترجمه متی از سریانی به عربی کاملاً در دسترس است. در این میان ترجمه اصطلاح میمزیس به عربی، به تعبیر محمد سلیم سالم در کتاب تلخیص کتاب ارسطو طالیس فی الشعر، سرنوشتی متفاوت یافت. از دیدگاه او هیچ‌کدام از مترجمان و مفسران کتاب فن الشعر نتوانستند معنای دقیق میمزیس را آنچنان که

ارسطو تعریف و تحدید کرده بود دریابند، بنابراین میان تمثیل، تشبیه و محاکات خلط کردند.^۱ سلیم سالم اصطلاح تخیل را نادیده گرفته است که به تعبیری فارابی آن را وضع کرد و ابن سینا آن را در تفسیر میمزیس به کار گرفت، اصطلاحی که اتفاقاً رأی و نظر ارسطو را در باب میمزیس کاملتر از آنچه او تصور می کرد روشن می ساخت، و این فارابی همان معلم دومی است که در بحث تخیل دامنه خیال را برای اثبات و تبیین وحی تا عوالم فوق القمر بالا برد، در حالی که در اندیشه ارسطو غایت پرواز خیال سقف عالم تحت القمر بود.^۲

این مفهوم در تاریخ فلسفه و هنر غرب نیز سرنوشتی متحول یافت. دستگاه کلامی مسیحیت با نظریه پردازان بزرگی چون قدیس آگوستین، توماس آکوئینی، آلبرت کیبر، بوناوتورا، دیونیسوس مجعول و ... مفهوم میمزیس در هنر را پذیرفت اما آن را تقلید از صورت ملکوتی و سپس باطن طبیعت تعبیر و تأویل کرد. وقوع رنسانس و ظهور هنرمند-نظریه پردازانی چون آلبرتی، لئوناردو داوینچی و میکل آنژ افقهای نوینی در هنر گشود که در معنا و مفهوم میمزیس، بویژه با بازخوانی مارسلیو فیچینو و دیگران از آرای افلاطون و فلوپین، بسیار مؤثر بود. فلسفه جدید، که جایگاه سوژه یا فاعل شناسایی را بر ابژه یا متعلق شناسایی ترجیح داد و بویژه عقل نقاد دایره مدار فلسفه گشت، باعث ظهور نظریه‌هایی در هنر چون نظریه بیان (expression) شد که ماهیت هنر را اظهار و ارائه مافی الضمیر هنرمند می دانست و طبیعی بود که در این نظریه تقلید یا محاکات نمی توانست محلی از اعراب داشته باشد. اما این نظریه و نظریه های بعدی، چون نظریه فرم و تجربه زیبایی شناختی، از اهمیت و جایگاه مهم میمزیس در تاریخ فلسفه هنر نکاست بلکه با برخی اندیشه ورزی ها و تأملات سنت گرایانی چون آناندا

۱. «و لما ترجم کتاب عن فن الشعر لأرسطو لم يستطع احد ان يتبين المعنى الدقيق لكلمه محاكاة كما حدده ارسطو، فخلطوا بين التمثيل والتشبيه والمحاكاة» (ابی الولید بن رشد، تلخیص کتاب ارسطو طالیس فی الشعر، تحقیق والتعلیق الدكتور محمد سلیم سالم، قاهره، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۹۷۱، ص ۵۷).

۲. بنگرید به شرح کامل این مسئله در کتاب نگارنده فلسفه هنر اسلامی (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰)، در مقاله «ابداعات فارابی در مفهوم و کارکرد خیال و تخیل».

کوماراسوامی، که همه نظریه‌های هنر را قابل تحویل به نظریه میمیزیس می‌دانست، میمیزیس اهمیت مضاعفی نیز یافت.



این کتاب دو بخش کلی دارد: یک بخش آن سیر تاریخی و متحول نظریه میمیزیس را در تاریخ اندیشه و هنر غرب بیان می‌کند و بخش دیگر به حضور و سابقه این اصطلاح و نظریه در آثار مترجمان و فیلسوفان مسلمان می‌پردازد. مترجمانی چون ابی بشر متی بن یونس و اسحاق بن حنین، و فیلسوفانی چون کندی، فارابی، ابن سینا، اخوان الصفا، خواجه نصیرالدین طوسی و بویره جلال‌الدین دوانی که در باب محاکات آرای ویژه‌ای دارند. همچنین، در فصل سوم و با رویکرد تطبیقی، نظریه سادرشیا در حکمت هندو و نظریه میمیزیس در رأی و نظر نوافلاطونیان به بحث گذاشته شده و در فصل پایانی نیز رویکرد حکمت و عرفان اسلامی به محاکات و همچنین بازتاب آن در آثار هنری بویره معماری تبیین شده است. امید اینکه اثر حاضر در روشنگری درباره یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌های هنر در تفکر اندیشمندان غرب، مسلمان و هندو، بویره برای علاقه‌مندان و طالبان فلسفه هنر در ایران، مؤثر و مفید باشد؛ بعونه و کرمه.